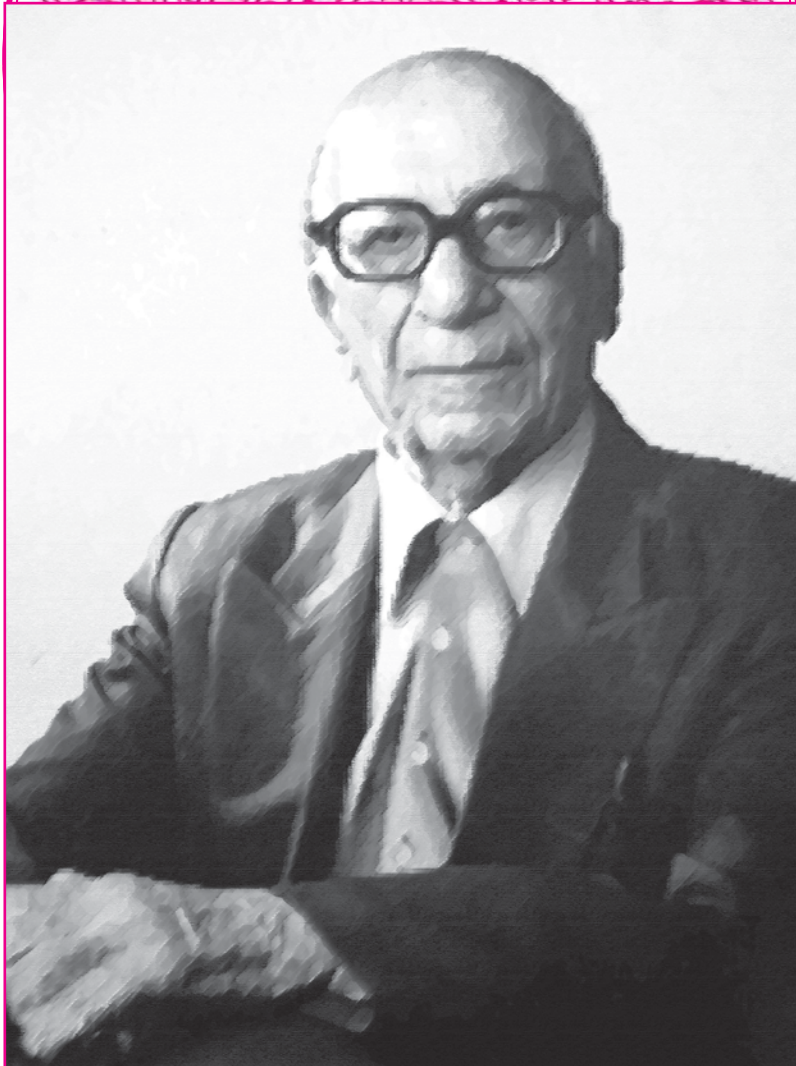


# استاد فقیهی میراثبان فرهنگ و تاریخ ایران

محمد رضا رهبریان  
دبیر دبیرستان های قم



کلیدواژه‌ها: علی اصغر فقیهی، فرهنگ  
و تاریخ ایران، ایران

علی اصغر فقیهی به سال ۱۲۹۲ ه.ش در قم، در محله «آلوچو» به دنیا آمد. پدرش ابوالحسن فقیهی از مدرسان علوم دینی و از نظر اخلاق، مردی زاهد و پرهیزگار بود. وی از پنج سالگی تحصیلات ابتدایی خود را در مکتب‌خانه آغاز کرد و در ۱۰ سالگی پا به مدارس علوم دینی گذاشت و نزد پدر و عموی خود در مدرسه «جهانگیرخان» به فراگیری علوم دینی پرداخت. در این دوره پس از خواندن «جامع المقدمات» کتبی چون «شرح سیوطی»، «شرح ابن عقیل» و کتاب‌های منطق، نظیر «حاشیة ملا عبدالله»، «شمسیه» و غیره را به‌طور تمام و کمال مطالعه کرد. همچنین کتاب‌های فقهی «شرح لمعه»، «رسائل» و «مکاسب» و «کفایه» و ... را نزد پدر و دیگر استادان فرا گرفت و این تحصیلات را تا پایان دوره سطح ادامه داد.<sup>۱</sup> پس از تأسیس دانشگاه تهران، علی اصغر فقیهی بر آن شد به دنبال تحصیلات دانشگاهی برود. لذا در سال ۱۳۱۵ ش. علیرغم جو عمومی نامناسبی که نسبت به دانشگاه وجود داشت، با اجازه و تشویق پدر، رهسپار تهران شد و پس از دادن امتحان ورودی، در دانشکده معقول و منقول، در رشته ادبیات به تحصیل ادامه داد. در این دوره از محضر استادانی چون محمود شهابی، بدیع الزمان فروزانفر، نصرالله فلسفی، عبدالعظیم قریب و احمد بهمنیار بهره برد؛ و در چنین محیطی بینش علمی، تحقیقی و تاریخی‌اش تقویت شد. فقیهی پایان‌نامه خود را با عنوان «تأثیر ایرانیان در بسط تمدن اسلامی» نوشت و از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد و از سال ۱۳۱۹ ش به‌عنوان دبیر ادبیات فارسی در دبیرستان «حکیم نظامی»، تنها دبیرستان بزرگ شهر قم به تدریس مشغول گردید. هنوز یک سالی از آمدن او به قم

نگذشته بود که در یکی از روزهای شهریور ۱۳۲۰ نیروهای متفقین به ایران وارد شدند و قم همچون سایر شهرهای دیگر ایران به اشغال نیروهای بیگانه درآمد. شهر در قحطی و جیره‌بندی و ناامنی فرو رفت و در همین بحبوحه علی‌اصغر فقیهی برای خدمت نظام وظیفه به تهران احضار شد. اما ۲۰ روز پس از استعفای رضاخان، از خدمت نظام وظیفه، مرخص شد و به قم بازگشت. هنگامی که وی به دبیرستان «حکیم نظامی» برای ادامه کار خود رفت مشاهده کرد که دبیرستان در تصرف نیروهای اشغال‌گر است و، به‌جز کلاس‌ها، سالن و زمین ورزش و تمامی

ایرانی به نام «ابوطالب یزدی» در مکه رخ داد و او را در آنجا مظلومانه گردن زدند، فقیهی بر آن شد تا سلسله مقالاتی پیرامون تاریخ و عقاید وهابیان در روزنامه استوار به چاپ برساند. وی پس از نوشتن چهل، پنجاه شماره، آن‌ها را گردآوری کرد و با مقدمه‌ای که **آیت‌الله مرعشی نجفی**، به زبان عربی بر کتاب نوشت، آن را با نام «تاریخ و عقاید وهابیان» چاپ و منتشر کرد.<sup>۱</sup>

در سال ۱۳۲۷ش، در شرایطی که وضع دبیرستان حکیم نظامی، دچار اختلال و بی‌نظمی شده بود و هیچ‌کس ریاست آن را نمی‌پذیرفت، بنابر تأیید و تصویب شورای



دبیران، وی به ناچار ریاست دبیرستان را برعهده گرفت و در طی سه سال به وضعیت دبیرستان سروسامان بخشید و اقدامات تازه‌ای انجام داد. اما سرانجام، از آنجا که ریاست با مذاق و روحیه او سازگار نبود، استعفا داد و به همان شغل معلمی و تدریس که از نظر وی بهترین و مثبت‌ترین کار بوده، روی آورد.<sup>۲</sup>

در سال ۱۳۲۸ ش اداره فرهنگ قم با دعوت از چند تن از نویسندگان و محققان، در صدد تهیه کتابی درباره تاریخ و جغرافیای قم برمی‌آید. در نهایت با کمک

امکانات مدرسه در اختیار آنان است و آن‌ها با برپایی برنامه‌های رقص و آواز یا موسیقی و نمایش، آرامش و آسایش دبیرستان را بر هم می‌زنند. با این حال علی‌اصغر فقیهی همچون سایر معلمان، وضع موجود را تحمل می‌کرد.<sup>۳</sup>

فقیهی در کنار تعلیم و تربیت، نویسندگی را نیز با تنها روزنامه شهر، یعنی «روزنامه استوار» به مدیریت مسئولی ابوالفضل طهماسبی آغاز کرد و سلسله مقالاتی پیرامون مسائل مذهبی، تاریخی و اجتماعی نوشت. در سال ۱۳۳۳ش بنابر حادثه‌ای که برای یک حاجی

چهار نویسنده، کتاب «قم را بشناسید» به چاپ می‌رسد که بخش اول آن تحت عنوان «چند نظر اصلاحی مربوط به کشاورزی» توسط وفایی، رئیس وقت اداره کشاورزی قم، بخش دوم آن با عنوان «تاریخچه قم» به قلم **علی‌اصغر فقیهی**، دبیر و رئیس وقت دبیرستان «حکیم نظامی»، بخش سوم با عنوان «شهرستان قم از نظر معرفت‌الارضی» توسط **علی‌اکبر شهابلو**، دبیر طبیعیات و بخش چهارم با عنوان «جغرافیای شهرستان قم» به کوشش **حسین کریمان**، دبیر ادبیات دبیرستان حکیم نظامی به نگارش درمی‌آید. در همین کتاب است که برای اولین بار نقشه قم با کوشش و دقت و حوصله حسین کریمان طراحی و چاپ می‌شود.<sup>۴</sup> این کتاب هنوز یکی از منابع مهم تحقیقی برای مطالعات قم‌شناسی محسوب می‌شود. استاد علی‌اصغر فقیهی در سال ۱۳۳۰ ش کتابی با عنوان «دستورهای املا و انشا» برای دانش‌آموزان و معلمان نوشت. در شهریورماه ۱۳۳۳ش **آیت‌الله سیدمحمد حسینی بهشتی** در یک اقدام فرهنگی به تأسیس دبیرستانی به نام «دین و دانش» دست زد و از استاد علی‌اصغر فقیهی نیز برای تدریس دعوت کرد و او پذیرفت. در همین دوره بود که استاد فقیهی کتاب تازه و جدیدی با عنوان «جغرافیای کشورهای اسلامی و تاریخ اسلام» برای دانش‌آموزان نوشت که در آبان ۱۳۳۴ش با سرمایه و همت دکتر بهشتی به چاپ رسید. کتابی که در هیچ مدرسه دیگری تا آن زمان تدریس نمی‌شد.<sup>۵</sup>

فقیهی در کنار تعلیم و تربیت، همواره در حال مطالعه و فراگیری معلومات و اندوخته‌های تازه بود. ارتباط خود را با حوزه قطع نکرد و هر از گاهی در محضر استادان حوزه تلمذ می‌کرد و با شرکت در درس خارج **فقه آیت‌الله حاج سید محمدتقی خوانساری**، **آیت‌الله مرعشی نجفی** و **آیت‌الله گلپایگانی** با جنبه‌ها و جلوه‌های

بیشتری از اصول و قواعد فقه آشنا شد. در آن زمان فهم و درک رساله توضیح المسائل برای مردم عادی بسیار مشکل بود، زیرا نثر فارسی آن‌ها بسیار پیچیده و آکنده از لغات، ترکیبات و اصطلاحات خاص بود. لذا به درخواست **علی اصغر علامه کرباسچیان** (مؤسس دبیرستان علوی تهران) نگارش رساله عملیه آیت‌الله بروجردی بر عهده علی اصغر فقیهی گذاشته شد و وی با توجه به آگاهی و آشنایی‌اش با اصول فقه و مسائل شرعی و از طرفی برخوردار بودن از سبکی درست و قلمی روان در نویسندگی، رساله عملیه را با زبانی ساده و به فارسی امروزی به نگارش درآورد.

استاد فقیهی در دوازدهم اسفندماه ۱۳۴۵ ش به حج رفت و گزارش دید و بازدیدهای سفر ۲۷ روزه خود را با قلمی ساده و روان نوشت و در آذرماه سال ۱۳۴۶ ش آن را با عنوان «حج، آن‌طور که من رفتم» به چاپ رسانید. این کتاب دربردارنده چهل و چهار تصویر از اماکن مقدس در مدینه و قبور شخصیت‌های مذهبی تاریخ صدر اسلام، پیش از ویرانی کامل آن‌ها به دست وهابیان است و از این جهت دارای ارزش خاصی است.

از آنجا که استاد دل‌باخته تحقیق و تاریخ بود، در سال ۱۳۴۷ ش کتابی محققانه با عنوان «شاهنشاهی عضدالدوله دیلمی» به چاپ رساند که در همان سال برنده جایزه بهترین کتاب سال در تحقیقات تاریخی و ادبی شد. این کتاب، مورد توجه **استاد دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی** قرار گرفت، لذا در نقدی که در مجله «راهنمای کتاب» بر آن نوشت چنین نظر داد: «کتاب شاهنشاهی عضدالدوله دیلمی یکی از بهترین کتاب‌هایی است که در باب این سلسله نوشته شده است. اهمیت کار آقای فقیهی که دبیر ساده‌ای بیش در قم نیست، از اینجا مشهود است که به کمک انتشارات مطبوعاتی اسماعیلیان، خودش در قم آن را

به چاپ رسانده و بسا احتمال که مبلغی از حقوق «چشم‌کورکن» معلمی را هم روی آن گذاشته باشد و این در واقع، درس عبرتی است برای ما که در مرکز هستیم و هرگز در فکر کشف استعداد شهرستانی‌ها بر نیامده‌ایم».

استاد فقیهی انسانی خودساخته و فروتن بود. هرگز گرد غوغای نام و نان نگشت و با وجود داشتن معلومات وسیع و تألیفات خوب در حوزه تاریخ، همواره سعی کرد ارتباط خود را با شهرستان خود حفظ کند. چنان‌که زمانی مرحوم **دکتر محمد معین** بنابر دوستی و الفتی که با استاد فقیهی داشت از وی برای تدریس در دانشگاه تهران دعوت به عمل آورد. ولی او این پیشنهاد را نپذیرفت و هم‌چنان با همت و سخت‌کوشی و پشتوانه علمی که داشت به تحقیقات خود و شغل ساده معلمی ادامه داد. همین دلبستگی و شیفتگی‌اش به قم، باعث شد تا تلاش‌ها و کاوش‌هایی را درباره قم صورت دهد.

وی در سال ۱۳۵۰ ش کتاب دیگری با عنوان «تاریخ مذهبی قم» به چاپ رساند که امروز یکی از منابع قابل ذکر در تحقیقات قم‌شناسی است. این کتاب جزء اول از طرح تاریخ جامع قم بود که فقیهی در نظر داشت در ادامه آن کتابی جامع و کامل درباره قم بنویسد از جمله بخش‌هایی چون تاریخ اجتماعی قم، تاریخ علمی قم، تاریخ آستانه مقدسه فاطمه معصومه (ع) و دیگر امامزادگان مدفون در قم و همچنین کتاب‌شناسی مربوط به قم<sup>۹</sup>. وی برخی از این موارد را تهیه و تنظیم کرد که قسمت‌هایی از آن در فصل‌نامه «نامه قم» چاپ و منتشر شد. نیز در کنار همین کوشش‌ها، برای گردآوری لغات و اصطلاحات اصیل قمی به تلاش و تحقیق پرداخت و با امانت و حفظ اصالت واژه‌ها، بیش از هزار لغت قمی را یادداشت و ضبط کرد. فقیهی از نخستین کسانی بود که به فکر ضبط و گردآوری واژه‌ها و لغات

مردم قم افتاد. وی بارها ارزش و نگهداری لغات قمی را که تراویده ذوق و فکر توده مردم قم بوده است، متذکر می‌شد و اعتقاد داشت که لهجه قمی و فارسی قمی، گنجینه‌ای ارزشمند در دل زبان فارسی است و اگر لغات آن تدوین نشوند، ممکن است روزی به دست خاموشی و فراموشی سپرده شوند. مرحوم فقیهی حتی برخی از لغات قمی خود را در اختیار زنده‌یاد دکتر محمد معین قرار داده بود و دکتر محمد معین با این واسطه و به این طریق برخی از لغات قمی را برای اولین بار در «فرهنگ فارسی» خود درج کرد. از نظر اهمیت و بررسی لهجه قمی همین بس که دکتر محمد

### فقیهی در کنار تعلیم و تربیت،

### همواره در حال مطالعه

### و فراگیری معلومات و

### اندوخته‌های تازه بود. ارتباط

### خود را با حوزه قطع نکرد و

### هر از گاهی در محضر استادان

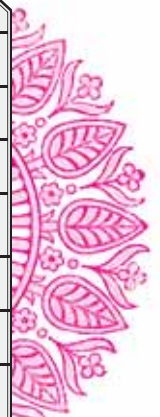
### حوزه تلمذ می‌کرد

معین در بررسی لهجه‌های ایرانی در جلد پنجم تعلیقات برهان قاطع، در خصوص لغات قمی می‌نویسد: «قمی: در محلات پایین شهر هنوز لهجه‌ای تکلم می‌شود که دارای لغات اصیل است و کم‌کم فراموش می‌گردد. نمونه‌ای از این لغات را آقای علی اصغر فقیهی، دبیر فاضل دبیرستان‌های قم جمع‌آوری کرده و در دسترس نگارنده گذاشته‌اند.»<sup>۱۰</sup>

سرانجام، استاد فقیهی پس از سی سال خدمت در آموزش و پرورش، و تدریس درس‌هایی چون ادبیات فارسی، عربی و



از آنجا که استاد دلباخته
تحقیق و تاریخ بود، در سال
۱۳۴۷ ش کتابی محققانه با
عنوان «شاهنشاهی عضالدوله
دیلمی» به چاپ رساند که در
همان سال برنده جایزه بهترین
کتاب سال در تحقیقات تاریخی
و ادبی شد



تاریخ و جغرافیا و تربیت شاگردانی برجسته، در سال ۱۳۵۰ ش تقاضای بازنشستگی کرد. پس از بازنشستگی از وی برای تدریس در دبیرستان علوی تهران دعوت شد و او چندین سال را نیز در آنجا به کار معلمی پرداخت.<sup>۱۱</sup> از آن پس با توجه به فراغتی که حاصل کرده بود یکسره به تحقیق و مطالعه روی آورد. همچنین وی از سال ۱۳۵۳ ش به بعد مسافرت‌هایی به کشورهای جهان از جمله کشورهای اروپایی و آفریقایی و خاور دور و چندین کشور عربی انجام داد. این سفرها همگی با هزینه شخصی او و به‌وسیله آژانس‌های مسافرتی صورت گرفت. استاد در سفرهای خارجی و گردشگری خود حتی از کارهای علمی و تحقیقاتی دور نمی‌ماند و فعالیت‌های علمی و پژوهشی خود را ادامه داد. وی با نگاه تحقیقی، خاطرات و مشاهدات خود را با نثری سالم و سلیس به نگارش درمی‌آورد. چنان‌که «سفرنامه آفریقا» ره‌آورد یکی از این سفرهاست که آن را در سال ۱۳۷۹ ش به چاپ رساند. استاد در «سفرنامه آفریقا» افزون بر گزارش‌های خود، تحقیقاتی راجع به قاره آفریقا و آداب و سنن اجتماعی و مذاهب آنجا به‌ویژه اسلام انجام داده است. استاد فقیهی، که گفتیم سال‌ها پیش کتابی مختصر، راجع به وهابیان نگاشته بود، در طی سال‌های بعد، در صدد مطالعه و تحقیقات بیشتری درباره فرقه وهابی برآمد

و در سال ۱۳۵۳ ش کتاب مفصل «وهابیان و عقاید فرقه وهابی» را منتشر کرد. پس از آن بود که تحقیقات و مطالعات خود را درباره سلسله آل‌بویه انجام داد و به بررسی و معرفی این سلسله دست زد و این کاری بود که تا پیش از وی کمتر محقق و مورخی بدان پرداخته بود.

فقیهی حاصل تحقیقات خود را در سال ۱۳۵۷ ش در کتابی مستقل با عنوان «آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان» چاپ و منتشر کرد. فقیهی از آنجا که علاقه خاصی به قرآن و نهج‌البلاغه داشت کتاب «نهج‌البلاغه» را به‌طور کامل به فارسی ترجمه کرد. وی از سال ۶۱ تا ۶۸ تمام نیرو و توان علمی و ذوقی خود را صرف ترجمه این کتاب نمود و آن را در سال ۱۳۷۴ ش به چاپ رساند. وی، جدا از آثار و تألیفاتش که به آن‌ها اشاره شد، مقالات متعددی هم در مجلات و روزنامه‌های کشور از جمله مجلات: راهنمای کتاب، آینده، محیط ادب، جلوه، آموزش و پرورش، کیهان فرهنگی.... همچنین همکاری با «دانشنامه جهان اسلام»<sup>۱۲</sup> از دیگر فعالیت‌های علمی و تحقیقی وی بود.

سرانجام، استاد علی‌اصغر فقیهی پس از عمری تحقیق و تلاش سرشار از خدمت به فرهنگ و دانش شهر و کشور خود در آستانه ۹۰ سالگی و در تاریخ دوم آذرماه ۱۳۸۲ دار فانی را وداع گفت و در یکی از بقاع حرم حضرت معصومه(ع) به خاک سپرده شد. استاد فقیهی در طول دوران حیات علمی و فکری و معلمی خویش همواره بسیار خوان و بسیار دان بود. به‌ویژه میزان تحقیق و مطالعه‌اش در حوزه تاریخ و مذهب بسیار و کم‌نظیر بود.

در پایان، نظر استاد دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی را که در مراسم چهلمین روز درگذشت استاد فقیهی ایراد کردند، در اینجا نقل می‌کنیم تا به اهمیت شناخت چنین پژوهشگرانی از نسل گذشته بهتر پی

ببریم:

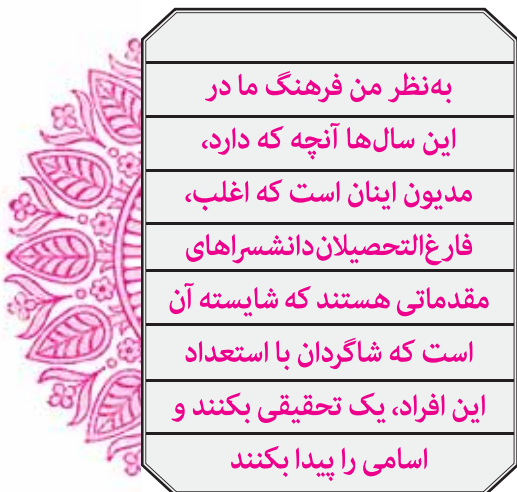
«به‌نظر من از دو جهت باید استادان علوم تربیتی را شناخت و شایسته است که در شرح‌حال امثال آقای فقیهی در این ۶۰-۵۰ ساله اخیر، یک تحقیقی صورت بگیرد. ما در تمام ایران از خراسان گرفته تا کرمان، اصفهان، تبریز، فارس، خوزستان و جاهای دیگر، یک گروه فارغ‌التحصیل دانشسرای مقدماتی داشتیم که این‌ها، بعداً وارد خدمت وزارت معارف و فرهنگ قدیم و آموزش و پرورش جدید شدند، که یک دو شاخصیتی خودشان دارند. یکی، فرم تدریس و نحوه کارشان و یکی دیگر عشقی که به محصلین خودشان داشتند.

به‌نظر من فرهنگ ما در این سال‌ها آنچه که دارد، مدیون اینان است که اغلب، فارغ‌التحصیلان دانشسراهای مقدماتی هستند که شایسته آن است که شاگردان با استعداد این افراد، یک تحقیقی بکنند. و اسامی را پیدا بکنند و خدماتشان را بسنجند و این کار اگر نوشته شود، می‌تواند یک تاریخ جامعی برای فرهنگ معاصر ایران باشد و آقای فقیهی یکی از آن‌هاست.

خوشبختانه ما عده‌ای از این افراد را داریم و اینان، سالیان متمادی در بهترین مدارس استان‌ها و شهرستان‌ها تدریس کرده‌اند و نخبه کسانی را که می‌خواستند، انتخاب کردند و پرورش دادند و به جایی رساندند.... حالا به‌نظر من (در دبیرستان‌های ما) آن‌طور، دقت و عمل نمی‌شود و باید یک فرم دیگری برای تحصیلات دوره‌های متوسطه در نظر گرفته شود و از این جهت باید در شرح‌حال آقای فقیهی کار بشود»<sup>۱۳</sup>.

### کتاب‌شناسی آثار استاد علی‌اصغر فقیهی

۱. تاریخ و عقاید وهابیان: قم: کتابفروشی سیدعبدالحسین کتابچی، چاپ اول ۱۳۲۳ ش، ۷۰ صفحه
۲. دستورهای املا و انشا: قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول ۱۳۳۰ ش، ۱۶۸



به نظر من فرهنگ ما در

این سال‌ها آنچه که دارد،

مدیون اینان است که اغلب،

فارغ‌التحصیلان دانشسراهای

مقدماتی هستند که شایسته آن

است که شاگردان با استعداد

این افراد، یک تحقیقی بکنند و

اسامی را پیدا بکنند

۴. کیهان فرهنگی، سال ۶۵، ش ۶: ص ۸.
۵. رشد ادب فارسی، سال ۶۴، ش ۳: ص ۸.
۶. قم را بشناسید، چاپ اداره فرهنگ، ۱۳۲۸: ص ۳۶ تا ۵۸.
۷. کیهان فرهنگی، سال ۶۵، ش ۶: ص ۷.
۸. راهنمای کتاب، ش ۳ و ۴، سال سیزدهم، ۱۳۴۹، ص ۲۷۶.
۹. تاریخ مذهبی قم، فقیهی، مقدمه کتاب، چاپ اول ۱۳۵۰.
۱۰. برهان قاطع، مقدمه جلد پنجم، تعلیقات، چاپ سوم، ص ۱۲۱.
۱۱. کیهان فرهنگی، سال ۶۵، ش ۶: ص ۷.
۱۲. دانشنامه جهان اسلام، حرف ب، جلد دوم، اَلْبَدءُ وَ التَّارِیخ.
۱۳. متن سخنرانی باستانی پاریزی، در مراسم تجلیل و بزرگداشت و چهلمین روز درگذشت استاد فقیهی، مهمان‌سرای فرهنگستان زبان و ادب پارسی، ۱۱ ادی ماه ۱۳۸۲.

#### منابع

۱. برهان قاطع، به تصحیح دکتر محمد معین، مقدمه جلد پنجم، تعلیقات، چاپ سوم.
۲. تاریخ مذهبی قم، علی‌اصغر فقیهی، مقدمه کتاب، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول ۱۳۵۰.
۳. دانشنامه جهان اسلام، حرف ب، جلد دوم، تهران ۱۳۷۵.
۴. راهنمای کتاب، ش ۹-۸ آبان و آذر، سال سیزدهم ۱۳۴۹.
۵. رشد ادب فارسی (مصاحبه)، سال ۶۴-۳: ص ۳.
۶. قم را بشناسید، قم، چاپ اداره فرهنگ، ۱۳۲۸.
۷. کیهان فرهنگی، (مصاحبه) سال ۶۵، ش ۶: ص ۷.

وهابی): تهران، کتابفروشی صبا، چاپ اول ۱۳۵۲ ش، ۲۹۲ صفحه- چاپ دوم ۱۳۶۴ ش، انتشارات صبا- چاپ سوم ۱۳۶۶ ش، با تجدیدنظر و اضافات، انتشارات صبا- چاپ چهارم، انتشارات صبا ۱۳۷۷.

۱۲. ترجمه کتاب شریف نهج البلاغه: تهران، انتشارات صبا، چاپ اول ۱۳۷۴ ش، ۸۹۴ صفحه- چاپ سوم، انتشارات صبا، ۱۳۷۷.

۱۳. سفرنامه آفریقا: قم، انتشارات زائر، چاپ اول ۱۳۷۹ ش، ۳۰۳ صفحه، مصور.

#### آثار پراکنده و منتشر نشده

۱. ایران در جنگ گذشته (روزنامه استوار).
۲. ادبیات ایران در قرن اول و دوم هجری.
۳. نهضت نجف در جنگ بین‌الملل، ترجمه از عربی.
۴. تاریخ کشورهای عربی بعد از جنگ جهانی اول.
۵. نویسندگان بزرگ اسلامی.
۶. ابومسلم خراسانی.
۷. تاریخ حبشه.
۸. محمد رسول‌الله ترجمه از عربی، احمد تیمور بک (منتشر نشده).
۹. سفرنامه استرالیا (منتشر نشده).
۱۰. سفرنامه شرق آسیا (منتشر نشده).
۱۱. تاریخ اجتماعی قم (منتشر نشده).
۱۲. خاطرات (دست نوشته).
۱۳. تأثیر ایرانیان در بسط تمدن اسلامی (پایان نامه).

۱۴. خلاصه‌ای از آل‌بویه، انتشارات سمت، چاپ اول ۱۳۷۸.

آن مرحوم بیش از ۵۰ مقاله نیز در نشریات گوناگون به چاپ رساند که برای پرهیز از درازگویی از ذکر آن خودداری شد.

#### پی‌نوشت‌ها

۱. کیهان فرهنگی، سال ۶۵، ش ۶: ص ۵.
۲. رشد ادب فارسی، سال ۶۴، ش ۳: ص ۴.
۳. کیهان فرهنگی، سال ۶۵، ش ۶: ص ۷.

صفحه- چاپ دوم، ۱۳۴۲ ش، انتشارات نوین- چاپ ششم ۱۳۷۷ ش، انتشارات باورداران.

۳. جغرافیای کشورهای اسلامی و تاریخ اسلام: قم، سازمان دین و دانش، کتابفروشی برقی، چاپ اول ۱۳۳۴ ش- ۱۰۲ صفحه.

۴. ترجمه عهدنامه مالک‌اشتر: قم، کتابفروشی علامه، چاپ اول آذرماه ۱۳۴۱ ش، همراه با مقدمات و تعلیقات.

۵. راه خداشناسی با ترجمه توحید مفضل: قم، کتابفروشی علامه، چاپ پنجم ۱۳۴۱ ش.

۶. دستور زبان فارسی: قم، مطبوعاتی حکمت، چاپ اول مهرماه ۱۳۴۶ ش، ۱۶۶ صفحه- چاپ دوم ۱۳۴۹ ش، انتشاراتی مطبوعاتی اسماعیلیان- چاپ سوم ۱۳۵۲ ش، با اصلاحات و تجدیدنظر کامل، انتشاراتی مطبوعاتی اسماعیلیان.

۷. حج، آن‌طور که من رفتم: قم، مطبوعاتی حکمت، چاپ اول، آذرماه ۱۳۴۶ ش، مصور، ۱۳۶ صفحه.

۸. شاهنشاهی عضدالدوله دیلمی: قم، انتشارات مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپخانه حکمت، چاپ اول ۱۳۴۷ ش، ۳۹۸ صفحه- تهران، نشر پرتو، چاپ اول ۱۳۷۲ ش، با عنوان (فرمانروایی عضدالدوله دیلمی)، ۳۸۲ صفحه.

۹. تاریخ مذهبی قم: قم، انتشارات اسماعیلیان- چاپ اول ۱۳۵۰ ش، ۳۹۶ صفحه، با ۴۸ تصویر- چاپ دوم ۱۳۷۸ ش، انتشارات زائر (آستانه مقدسه حضرت معصومه (ع))، با تجدیدنظر و اضافات، ۵۱۸ صفحه و ۱۱۲ تصویر.

۱۰. آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان: تهران، انتشارات صبا، چاپ اول ۱۳۵۷ ش، ۹۱۴ صفحه- چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش، ۹۱۲ صفحه، انتشارات صبا- چاپ سوم، انتشارات صبا، ۱۳۷۷.

۱۱. وهابیان (عقاید و تاریخ فرقه